

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مقدمه

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لَيَغِيظُنَّ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (فتح: ۲۹).

دین اسلام، راهنمای انسان به سوی حیات طیبه و زیست سالم و موفق فردی و اجتماعی و برنامه آبادانی و دستیابی به سعادت دنیا و آخرت و نیل به تمدن و تعالی بر پایه ایمان به مبدأ و معاد و پایبندی به آموزه‌های وحیانی عملی است. تأکید هم‌زمان و هم‌عنان بر تفکر، علم، معنویت و عدالت، زیربنای رهنمودهای تمدنی اسلام و وجه تمایز آن از دیگر مکاتب به شمار می‌رود. امت‌سازی پیامبر اعظم - صلوات الله علیه و آله - و جامعه‌پردازی و تشکیل نظام سیاسی و وحدت تعالی‌بخش بر محور مدینه‌النبی و استمرار تاریخی این حرکت عظیم سیاسی-اجتماعی تا شکوفایی تمدن اسلام در سده‌های اول هجری، به‌ویژه در ایران، گواه روشنی بر ظرفیت تمدنی این دین خاتم است. ایران به برکت قابلیت‌های انسانی و موقعیت جغرافیایی و تنوع اقلیمی و منابع سرشار، یکی از خاستگاه‌ها و مهدهای اصلی تمدن در جهان بوده و در تاریخ دراز و پرفراز و فرودش، به رغم دشمنی‌ها و تهدیدهای خارجی، به پشتوانه جریان عمیق فرهنگی و استقامت مردمانش، همواره پایدار و سرفراز مانده است. ایران با الهام از تعالیم الهی، در عرصه کشورداری و آبادانی و تمدن‌سازی، حکمت‌های عملی به جهانیان ارائه و با رهنوشه‌های علم و ادب و هنر و عرفان، نقش مؤثری در شکوفایی تمدن اسلامی ایفا کرده است. در دو سده اخیر، ایرانیان پیشتاز مبارزات ملی و اسلامی در میان مسلمانان جهان بوده‌اند.

مردم ایران در انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی - رحمه الله علیه - و تداوم آن با هدایت زعیم حکیم امت، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای - دام ظلّه - فصلی مهم در تاریخ ایران و اسلام گشودند و به برکت مجاهدت جوانان و خون شهیدان و صبر جانبازان انقلاب و دفاع مقدس، وابستگی به قدرت‌های جهانی و استبداد و خفقان سیاسی و زرپرستی و فقر و فحشا و بدعت‌ها و خرافات و تجر را نفی کردند. بدین سان، ایرانیان استقلال، آزادی، مردم‌سالاری، عدالت، عزت، علم، رفاه و خدمت به انسان‌ها را مطلوب خویش ساختند و جمهوری اسلامی را آگاهانه پذیرفتند که رهاورد اندیشه روشن و بلند امام راحل مبتنی بر آرای عمومی، طبق اصول و قواعد اسلامی در قالب مردم‌سالاری دینی است. آنان در طول چهار دهه مجاهدت و مقاومت و ایثار و شهادت و تدبیر و مدیریت، به استقرار جمهوری اسلامی و تأمین استقلال سیاسی کشور همت گماشتند و به فقرزدایی و پیشرفت‌های علمی و فناوری و آموزشی و بهداشتی و دفاعی و مبارزه با زورگویان و زرپرستان و متجاوزان به حقوق مردم و بیت‌المال، کم یا بیش دست یافتند.

اکنون ملت ایران با همه دستاوردها و تجارب و عبرت‌های ارزشمند خود، رسالتی ملی و انسانی و اسلامی بر عهده دارد. این ملت در گام دوم انقلاب اسلامی و در عصر پیشرفت‌های پرشتاب علمی و اطلاعاتی و ارتباطی و شناختی و نیز تحولات بینشی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بین‌المللی، وظیفه دارد توانمندی‌ها و ظرفیت‌های تمدنی ایران و اسلام را

با استفاده از علم و فناوری روز و تجارب بومی و جهانی برای نیل به تمدن نوین اسلامی-ایرانی شکوفا سازد و آن را برای حل مسائل اساسی کشور و تعالی و سعادت خود، به خدمت درآورد. همزمان، موظف است که توانمندی خویش را برای التیام آلام مسلمانان و مردم جهان و دستیابی ایشان به سعادت، تقدیم دارد. دستیابی به این هدف، با «پیشرفت» در عرصه‌های فکر و علم و معنویت و حیات، فراهم می‌شود که عبارت است از: «تکامل و تعالی پیوسته و پویای شوون و ساحات گوناگون حیات بشر بر اساس آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی، در مسیر ظهور استعداد‌های فطری انسان‌ها». این پیشرفت به الگویی جامع و بلندمدت نیاز دارد تا مسیر و مقصد آن را معین و تحولاتش را هدایت کند.

بدین روی، رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای - دام ظلّه - در دوم خرداد ۱۳۹۰ تهیه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را مقرر و «مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» را به پیگیری آن موظف فرمودند. پیش نویس الگوی پیشرفت، با مشارکت گسترده متفکران و صاحب‌نظران ایرانی، بر پایه جهان‌بینی و اصول و ارزش‌ها و آموزه‌های اسلام و آرمان‌های انقلاب اسلامی و با توجه به مقتضیات اجتماعی و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران، طبق روش‌های علمی و با استفاده از دانش‌های روز و دستاوردهای بشری طراحی شد. این پیش‌نویس در معرض نقد و پیشنهاد متخصصان، سیاست‌گذاران، قانون‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان کشور قرار گرفت و در پرتو نقدها و پیشنهادهای، کمال و ارتقا یافت و به شکل حاضر تدوین گشت.

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، بیانگر سیر تحولات اجتماعی به‌سوی هدف‌های مطلوب در نیم قرن آینده است. این الگو «مبانی نظری»، «اصول عملی»، «آرمان‌ها»، «رسالت»، «افق» و «تدابیر» و «الزامات» را در بر می‌گیرد. «مبانی نظری» مهم‌ترین پیش‌فرض‌های اسلامی، فلسفی و علمی جهان‌شمول معطوف به پیشرفت را ارائه می‌دهد. «اصول عملی» راهنمای حرکت و اقدام است. «آرمان‌ها» ارزش‌های فرازمانی و فرامکانی و جهت‌بخش پیشرفت را ترسیم می‌کند. «رسالت» میثاق مشترک مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران برای پیشرفت است. «افق» آرمان‌های الگو را بر زیست بوم ایران در نیم قرن آینده انطباق می‌بخشد و هدف‌های واقعی مردم و جمهوری اسلامی را در آن موعد، معین می‌سازد. «تدابیر» تصمیم‌ها و اقدام‌های اساسی و بلندمدت برای دستیابی به افق را در بر دارد. «الزامات» تحقق و اجرای مطلوب الگو را تضمین و زمینه‌سازی می‌کند.

طراحی الگو با استفاده از نتایج مطالعات و تحقیقات لازم و طبق رویکردی ترکیبی و با فرایندی منسجم انجام شد. در این فرایند، نخست مبانی نظری الگو تدوین و بر همه بخش‌ها حاکم گشت. آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، آینده‌های قابل تصور را تبیین و آینده مطلوب را با ویژگی آرمان‌گرایی و کارآمدی توأمان، هدف گرفت. تحولات تاریخی ایران با هدف امکان‌سنجی پیشرفت آینده ایران، بررسی گشت و تداوم جریان عمیق فرهنگی به عنوان رمز ماندگاری ایران در کشاکش فراز و فرودهای سیاسی و نظامی داخلی و پیرامونی، شناخته شد. حکمت‌های عملی ایرانیان در کشورداری، همچون بهره‌گیری از فرزندان در جایگاه مشاورت و وزارت عالی حاکمان، پایداری در دفاع از تمامیت ارضی و استقلال و عزت ملی و نیز مدارای فرهنگی و سیاسی در اداره سرزمین‌های بزرگ تحت حاکمیت مرکزی، گردآوری شد. نظریات و تجارب

بین‌المللی توسعه، بررسی گشت و اتکا بر مبانی فکری و فرهنگی و قابلیت‌های بومی، عزم و تلاش عمومی، خلاقیت و ابداع، تعامل گسترده بین‌المللی، راهبری عالی و بلندمدت ملی، و شکل‌گیری گفتمان فراگیر مورد تأکید قرار گرفت. نسبت الگو با قانون اساسی و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی تعیین شد و اسناد برنامه‌ای کشور هم از جهت اشکالات برنامه‌ریزی شامل فقدان مبانی متقن و الگوی پیشرفت کارآمد، ضعف مشارکت نخبگانی و عدم انتخاب قاطع اولویت‌ها و ... و هم از جهت عدم تحقق مطلوب شامل کمبود گفتمان‌سازی و فقدان مدیریت عالی و ... آسیب‌شناسی و عبرت‌های حاصل در طراحی الگو، فرادید قرار گرفت. «مسئله‌شناسی ایران» مشتمل بر حدود هفتاد مسئله، با هدف شناسایی مسائل اساسی کشور از جمله وابستگی اقتصاد کشور به صادرات مواد خام، گستردگی ساختاری و کندی عملکرد دولت، ضعف عزم بر عدالت که دارای ریشه‌های عمیق و نیازمند راه‌حل‌های بلندمدت است، به انجام رسید. این مسائل با طراحی برای شکوفاسازی قابلیت‌های ماندگار ملی شامل فرهنگ غنی اسلامی-ایرانی، نیروی انسانی مستعد، منابع طبیعی فراوان و موقعیت جغرافیایی ممتاز که در دنیا کم‌نظیر است، از طریق تدابیر مؤثر برای نیل به افق الگو، پاسخ داده شد.

نخست، ویژگی‌های مطلوب الگو شامل اسلامیت، ایرانی و علمی و انقلابی بودن، تحول‌آفرینی، آرمانی و در عین حال عملی بودن، کلان‌نگری، راهیابی برای حل مسائل اساسی کشور، شکوفاسازی قابلیت‌های ماندگار ملی، و صراحت تدوین شد. این ویژگی‌ها در مراحل طراحی الگو مورد عنایت قرار گرفت و به عنوان شاخص‌های ارزیابی درونی پیش از اجرای الگو استفاده شد و تأمین آن‌ها در متن الگو احراز گردید. تحقق الگو، در گرو تلاش بلندمدت و مدیرانه و منسجم ارکان نظام جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران است. بدین منظور، نقش ارکان یاد شده در اجرای الگو، در چارچوب وظایف قانونی آن‌ها تحت راهبری عالی مقام معظم رهبری، در متن الگو مشخص و تکلیف نظارت بر اجرا و به‌روز رسانی الگو، معین شده است. از مردم عزیز به‌ویژه جوانان که دستاوردهای الگو متعلق به آنان است، درخواست می‌شود که مجدّانه به اجرای آن همت گمارند و بر تحقق شایسته آن پای فشارند. سزاوار است نخبگان همه بخش‌ها که در تهیه الگو نقشی بی‌همتا داشتند، در نظارت بر عدم انحراف یا غفلت در اجرای آن، پیشگام باشند تا این دستاورد نخبگانی به بار نشیند.

استمرار در مسیر پیشرفت اسلامی-ایرانی، جهاد بزرگ و دشوار ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در نیم قرن پیش رو است و ثمره شیرین آن، دستیابی به تمدن نوین اسلامی-ایرانی و کمک به تأمین عدالت و امنیت و رفاه و سعادت همه مردم جهان است که به حول و قوه الهی و با هدایت و دعای خیر حضرت بقیه‌الله الاعظم - عجل الله فرجه الشریف - فراهم خواهد شد؛ ان شاء الله.

## مبانی

### • مبانی خداشناختی

الله معبود یکتا، حی، علیم، قادر، حکیم، غنی، رب العالمین، رحمن، رحیم، هادی، شارع، مالک و حاکم مطلق هستی است که:

۱. در آفرینش و قانون‌گذاری و سزادهی، عادل است.

۲. واسع، جبران‌کننده، روزی‌دهنده مخلوقات، آرامش‌بخش دل‌ها، اجابت‌کننده دعاها و حاجت‌ها است.

۳. ولی مؤمنان، یاور مجاهدان راه خدا، پشتیبان ستم‌دیدگان، انتقام‌گیرنده از ظالمان و وفاکننده به وعده خویش است.

از این‌رو، توحید، بنیادین‌ترین اصل حاکم بر جهان هستی است.

### • مبانی جهان‌شناختی

— جهان با عوالم غیب و شهودش، سرشت توحیدی دارد و مراتب روحانی، مادی، و نیز دنیوی و اخروی آن، پیوسته در مسیر تکامل و تعالی به سوی خداوند است.

— جهان، تجلی و آیت خداوند به شمار می‌رود و نظام علی-معلولی بر آن حاکم است. جهان مادی در طول عالم ملکوت قرار دارد و عوامل مؤثر بر آن، فقط مادی و طبیعی نیستند.

— دنیا جایگاه عمل و آزمایش و بستر اوج‌گیری یا سقوط معنوی و اختیاری انسان است و بر اساس سنت‌های خداوند، به کردارهای آدمیان واکنش نشان می‌دهد.

— خداوند جهان مادی را در خدمت انسان قرار داده تا امانتدار و آبادگر آن باشد. اگر انسان آگاهانه و عادلانه در مسیر تحقق اهداف الهی گام بردارد، نیازهای مادی‌اش برآورده خواهد شد.

### • مبانی انسان‌شناختی

— هدف از آفرینش انسان، معرفت و عبادت خداوند و در پرتو آن، دستیابی به جایگاه قرب و خلافت الهی است.

— وجود انسان دارای ابعاد فطری و طبیعی و ساخت‌های جسمانی و روحانی است.

— انسان دارای کرامت و عزت تکوینی است و می‌تواند از امکانات جهان آفرینش به بهترین گونه بهره گیرد. قلمرو فطری انسان که در نفخه الهی ریشه دارد، خاستگاه خداپرستی، دین‌ورزی، کمال‌گرایی، حقیقت‌جویی، خیرخواهی، زیبایی‌گرایی، عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی و دیگر ارزش‌های والا است. قلمرو طبیعی او نیز خاستگاه ویژگی‌ها و نیازهای

مادی است. وی در کشاکش اقتضائات این دو بعد وجودی و تحقق معقول و متعادل آنها به کمالات اکتسابی دست می‌یابد.

- انسان، آمادگی دستیابی به کمال و سعادت اختیاری را دارد و با انتخاب‌های صحیح و در چارچوب هدایت الهی و رشد عقلانی و پای‌بندی به شریعت اسلامی و کسب فضیلت‌های اخلاقی و معنوی، می‌تواند به جایگاه عالی دست یابد.
- پس از مرگ، حیات انسان تداوم می‌یابد و حیات جاودانه اخروی او بر پایه باور، بینش، روش، اخلاق و رفتار او در زندگی دنیوی، شکل می‌پذیرد.
- انسان، هم بهره‌مند از حقوق و هم دارای تکلیف است. از جمله حقوق وی، حق حیات معقول، آگاهی، زیست معنوی و اخلاقی، دینداری، آزادی مسئولانه، امنیت، تعیین سرنوشت فردی و جمعی، و برخورداری از دادرسی عادلانه است. نیز وی در برابر خداوند، مکلف است و بر پایه آن، در برابر خود و دیگر انسان‌ها و خلقت و عالم نیز دارای مسئولیت و تکلیف است.

#### • مبانی جامعه‌شناختی

- انسان موجودی اجتماعی و برآوردن نیازها و شکوفایی استعدادهايش در گرو ارتباط و مشارکت جمعی است.
- جامعه که بستر مشارکت برای برآوردن نیازها و شکوفایی استعدادهاست، به بینش، گرایش، منش، توانش و کنش ارادی افراد جهت می‌دهد و از آنان، به‌ویژه نخبگان، اثر می‌پذیرد. البته این، نافی هویت فردی، اختیار و مسئولیت اعضای جامعه نیست.
- ساخت‌مندی و تمایزیابی جامعه بر پایه فرهنگ استوار می‌شود. فرهنگ، سازنده هویت جمعی و شاکله فردی انسان‌ها است و در عناصر خرد و کلان جامعه حضور دارد.
- تعلیم و تربیت، از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی و بستر ساز تحول بنیادین و گسترده در جامعه است.
- خانواده، مهم‌ترین نهاد تشکیل‌دهنده جامعه است و در شکل‌گیری، حفظ، انتقال و ارتقای فرهنگ آن، نقشی بی‌همتا دارد.
- همه جوامع، با وجود تفاوت‌ها، از سنت‌های الهی و قوانین تکوینی مشترک و فراگیر پیروی می‌کنند. شماری از این سنت‌ها عبارتند از: پیوند تحولات اجتماعی با نفس و اراده و عمل انسان، فراوانی نعمت بر اثر تقوا و عدالت و استقامت، عذاب و کیفر جامعه در صورت گسترش ظلم و فساد و گناه و ترک امر به معروف و نهی از منکر، مهلت دادن به غافلان و گرفتارسازی تدریجی آنان در عین نعمت‌بخشی (امهال و استدراج)، پیروزی نهایی مؤمنان.

- تحولات اجتماعی تحت تأثیر اراده انسان‌ها و عوامل معنوی، فرهنگی، جمعیتی و انسانی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، دانشی و فناورانه مبتنی بر سنت‌های الهی پدید می‌آید و اراده ملی، جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است.
- برای تحقق جامعه اسلامی، افزون بر دینداری افراد آن، باید نظام‌ها و مناسبات اجتماعی و عملکرد کارگزاران بر پایه اصول و ارزش‌های اسلامی استوار گردد.
- عدالت، مایه حیات جامعه و قوی‌ترین زیربنای نظام اجتماعی و ملاک سیاست‌ورزی و موجب نیکو ساختن مردم و فزونی نعمت و آبادانی کشور و پایداری و پابندگی و نگهداری حکومت و پیروی مردم از آن است.
- تاریخ به سوی آینده‌ای والا در همه ابعاد مادی و معنوی، با حاکمیت دین حق و عدل و رهبری امام معصوم - علیه السلام - در حرکت است.
- پیشرفت حقیقی و همه‌جانبه جامعه در گرو التزام به اسلام، رهبری پیشوای الهی، کارگزاری صالحان، مشارکت مردم، استواری و هماهنگی ارکان نظام، با هدف تحقق وعده خداوند است.

#### • مبانی ارزش‌شناختی

- ارزش‌ها در واقعیت ریشه دارند و اصول آن‌ها ثابت، مطلق و جهان‌شمول است.
- اصول ارزش‌ها از طریق عقل و فطرت درک می‌گردد و تفصیل آن‌ها از رهگذر کتاب و سنت کشف می‌شود.
- ارزش‌ها در ساحت‌های ارتباط انسان با خدا، خود، خلق و این دنیا جریان دارند.
- تحقق ارزش‌ها، مایه پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی است.

#### • مبانی دین‌شناختی

- اسلام، نظام جامع معرفتی-معیشتی است که خداوند متعال برای تربیت انسان و تأمین کمال و سعادت دنیوی و اخروی او نازل فرموده است.
- اسلام، دین کامل و جهان‌شمول و نهایی است که به پیامبر خاتم - صلوات الله علیه و آله - وحی شده و در قرآن کریم، در دسترس بشر قرار گرفته و تفصیل آن در سنت پیامبر و اهل بیت - علیهم السلام - بیان شده است.
- اسلام با نظام هستی و سرشت انسان هماهنگی کامل دارد و نیازهای نظری و عملی، فردی و اجتماعی، و دنیوی و اخروی او را برآورده می‌سازد. بدین روی، راهنمای بالندگی و رشد و تمدن‌سازی و پیشرفت فرد و جامعه است.

— اسلام در چارچوب مبانی و اصول ثابت و پایدار و بر اساس منطق اجتهاد، در عرصه‌های اعتقادی و معنوی و علمی و اخلاقی و شریعت و با عنایت به مصلحت و دیگر عناصر انعطاف‌پذیر آن، توان پاسخگویی به نیازهای نوشونده زمانی و مکانی را دارد.

— اسلام بر خردورزی و بهره‌مندی از دانش و تجارب انسانی تأکید می‌کند. وحی، مایه شکوفایی عقل به شمار می‌آید. از این رو، تمدن‌سازی و پیشرفت اسلامی، بر اصول و ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی و عقل و دانش بشری تکیه دارد.

## • مبانی ایران‌شناختی

— ایران منظومه‌ای یکپارچه با تنوع محیطی، قومی و اجتماعی شامل الگوهای سکونت شهری، روستایی و عشایری است که وحدت فرهنگی و اعتقادی، مایه ماندگاری آن در بستر تاریخ به شمار می‌رود.

— برخورداری ایران از جایگاه راهبردی سرزمینی، رتبه برتر در منابع انرژی و معدنی، تنوع اقلیمی، ظرفیت‌های فلات مرکزی، جاذبه‌های گردشگری، خطوط ساحلی و مرزهای آبی بین‌المللی، سرمایه انسانی جوان و مستعد، تجربیات مدیریتی و ظرفیت‌های علمی و فناوری، زمینه‌ساز پیشرفت و تحول دریاپایه و خشکی‌پایه به عنوان قطب ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی است.

— ایران با پیشینه تمدنی کهن، یکی از اصلی‌ترین خاستگاه‌های حکمت عملی، دین‌مداری، عدالت‌طلبی، علم‌دوستی، خلاقیت، هنر و معماری، مدارا، صلح‌جویی و چهارراه ارتباطی و کانون اشاعه فرهنگ در جهان بوده است.

— زبان و ادبیات فارسی، گنجینه‌ای غنی از عرفان، حکمت، اخلاق، حماسه و برخوردار از ظرفیت تمدن‌زایی و مرجعیت علمی و پشتوانه هویت ایرانیان است.

— ایرانیان با پذیرش اسلام، نقشی بی‌همتا در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی و تولید علم ایفا کرده‌اند. امروز به برکت انقلاب اسلامی و احیای امام خمینی - رحمه الله علیه - ایران، کانون بالندگی اندیشه دینی و گسترش معارف قرآن و سنت به شمار می‌رود.

## مبانی عملی (اصول)

مبانی عملی (اصول)، بنیادین‌ترین بایسته‌های برآمده از مبانی نظری به شمار می‌روند که چارچوب اوج‌گیری به سوی «آرمان‌ها» و کاربست «تدبیرها» قلمداد می‌شوند. این مبانی از این قرارند:

- التزام به توحید به عنوان اساس و محور بنیادین حیات فردی و اجتماعی و اصل‌الاصول حاکم بر همه سطوح و ساحات پیشرفت.
- التزام به مرجعیت دین اسلام ناب محمدی، در عین بهره‌گیری از خرد، تجربه و دستاوردهای متقن علمی و فناورانه بشری.
- التزام به مقتضیات قوانین و سنن الهی حاکم بر تکوین (هستی و حیات) و امدادهای غیبی.
- تکریم انسان با توجه به اقتضائات طبیعی - فطری انسان و نیز خصوصیات شاکله‌ای و موقعیتی او.
- عدالت اساسی‌ترین ارزش اجتماعی و عدالت‌مداری، مبارزه با ظلم، فساد و تبعیض؛ وظیفه همگان به ویژه حاکمان.
- توأمانی معنویت، عقلانیت و عدالت در فرایند پیشرفت.
- اهتمام به تفکر، علم، خلاقیت، رشد و شکوفاسازی ظرفیت‌های فطری و استعدادهای انسانی.
- نقدپذیری و انعطاف‌پذیری انقلاب اسلامی و آمادگی برای تصحیح مستمر خطاها در عین پای‌بندی به ارزش‌ها.
- پویایی جمهوری اسلامی و نفی تحجر در عین وفاداری به اصول.
- رعایت تأثیرات عنصر زمان و مکان (ظروف تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و اقلیمی خاص ایران).
- توأمانی رشد معنوی و مادی.
- توأمانی مصالح جمعی و منافع فردی و تقدم مصالح جمعی در صورت تزام.
- خانواده‌محوری در تنظیم ساختارها و مناسبات اجتماعی و رشد جمعیت با تأکید بر تربیت نیروی انسانی مؤمن و صالح.
- صیانت از سبک زندگی اسلامی ایرانی و مقابله هوشمندانه با ترویج فرهنگ بیگانه.
- وحدت ملی، اخوت اسلامی، و همزیستی مسالمت‌آمیز با ملل، مذاهب و جوامع دیگر.
- خودباوری و حرکت جهادی و انقلابی در عرصه‌های علمی و عملی.
- هدایت و امر به معروف و نهی از منکر به ویژه نصیحت مشفقانه مسئولان نظام.
- دعوت به خیر، و تعاون در احسان / بر و تقوی.
- صداقت، مسئولیت‌پذیری، قانون‌مداری، سخت‌کوشی، اتقان عمل، شجاعت، خیرخواهی، اخلاص و توکل.



- ابتدای جامعه اسلامی بر شکل‌گیری نظامات و مناسبات اجتماعی و انطباق عملکرد کارگزاران بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی و عدم کفایت دینداری فردی آحاد جامعه برای تحقق جامعه دینی.
- حاکمیت نظام انقلابی با تلازم جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی.
- حاکمیت مردم‌سالاری دینی در چارچوب قوانین و ارزش‌های اسلامی بر محور ولایت فقیه و مبتنی بر اراده و آرای مردم.
- التزام حاکمیت به صیانت از استقلال ملی و آزادی اجتماعی به عنوان ارزش‌های اسلامی و عطیه‌های الهی.
- شایسته‌سالاری با تأکید بر طهارت اقتصادی، ساده‌زیستی و امانتداری در تصدی نقش‌ها و مسئولیت‌ها.
- حفظ تمامیت ارضی و صیانت و ارتقای امنیت و اقتدار کشور و کرامت ملت.
- دفاع شجاعانه، صادقانه و جوانمردانه انقلاب اسلامی از کیان خود به دور از افراط و تفریط
- عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی.
- استکبارستیزی، مرزبندی با دشمن، مقاومت و حمایت از محرومان و مستضعفان.
- بهره‌گیری از حکمت‌های نیکوی ایرانیان در حکمرانی شامل مشاورت و مباشرت فرزنانگان در سطح عالی حکومت، مدارای سیاسی و فرهنگی در پهنه سرزمین و مقاومت و از خودگذشتگی در پاسداری از کشور و ملت.
- نیل به عدالت فضایی با ایجاد فرصت‌های رشد برای همه نواحی کشور.
- توجه عادلانه به هویت مکانی سازماندهی‌های اجتماعی ایران شامل شهرها، روستاها و عشایر.
- حاکم کردن اصول، قواعد و عدالت اسلامی بر اهداف، سیاستگذاری‌ها، ساختارها، نهادسازی‌ها و تصمیمات اقتصادی.
- اقتصاد مقاومتی مبتنی بر عدالت‌بنیانی، مردم‌بنیادی، درون‌زایی و برون‌گرایی و مدیریت جهادی.
- بهره‌برداری امانت‌دارانه و بهینه از منابع زیستی و طبیعی با تأمین عدالت بین نسلی و تاب‌آوری و رعایت آستانه‌های زیستی.
- نفی ربا، کنز، تکاثر و تداول ثروت در دست ثروتمندان و نفی شکاف طبقاتی.
- کفاف در معیشت آحاد جامعه، رعایت مصرف مقتصدانه و به دور از اسراف و تبذیر.
- کسب رزق حلال و تبعیت ارزش اجتماعی اقتصادی از کار مولد و مفید.

## آرمان‌ها

آرمان‌های الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، منظومه‌ای از ارزش‌های بینشی، گرایشی، توانشی و کنشی بنیادین و فرازمانی و فرامکانی است که راه پیشرفت را روشن می‌کند و نظام ارتباط انسان با خدا، خود، خلق و جهان را شکل می‌بخشد. بنیادی‌ترین ارزش، دستیابی به جایگاه عبودیت و خلافت الهی است که با تحقق «حیات طیبه» فراهم می‌آید. مهم‌ترین ارزش‌های «حیات طیبه» از این قرارند: شناخت حقایق، ایمان به غیب، تقوا و کرامت، سلامت روحی و جسمی، تفکر و عقلانیت، عدالت همه‌جانبه، آزادی مسئولانه، صداقت، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، تعاون، همبستگی اجتماعی، مدارا و همزیستی مهرآمیز، حمایت از مستضعفان، رحمت و اخوت با مسلمانان، ظلم‌ستیزی، رویارویی مجاهدانه و قدرتمندانه با دشمنان، استقلال، عزتمندی، امنیت همه‌جانبه، آبادانی، بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، فراوانی نعمت، و کفاف همگانی.

## رسالت

رسالت ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران، حرکت خردمندان و مؤمنانه و متعهدانه در مسیر آبادانی و شکوفایی کشور و خودسازی، نهادسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی نوین اسلامی-ایرانی بر پایه آرمان‌های الهی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است.

## افق

در سال ۱۴۵۰ هجری شمسی، مردم ایران دیندار، پیرو قرآن کریم و سنت پیامبر و اهل بیت – علیهم السلام –، خودآگاه به رسالت تاریخی، امیدوار به آینده تمدنی، خردورز، دارای سبک زندگی و خانواده اسلامی-ایرانی، برخوردار از روحیه جهادی، مسئولیت‌پذیر، قانون‌مدار، پاسدار ارزش‌ها و هویت ملی، نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی، تربیت‌یافته به فراخور استعداد و علاقه و شکوفا در مراحل معنوی، علمی و مهارتی و فعال در جایگاه متناسب‌اند و در عین تنوع قومی و تفاوت‌های فرهنگی، از احساس امنیت، آزادی، کرامت، آرامش، آسایش، سلامت و امید به زندگی در تراز والای جهانی برخوردارند.

در آن هنگام، ایران به عنوان مرجع معتبر در فرهنگ متعالی و علوم انسانی بر پایه مبانی و ارزش‌های اسلامی در تراز بین‌المللی شناخته می‌شود و در میان پنج کشور پیشرو جهان در تولید اندیشه و دانش و فناوری جای می‌گیرد و از اقتصادی دانش‌محور و خودبنیان بر پایه عقلانیت، عدالت و معنویت اسلامی برخوردار و یکی از ده قدرت اقتصادی بزرگ جهان است. سلامت محیط زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی، امنیت غذایی و نظام سکونتگاهی و توزیع جمعیت بر اساس آمایش سرزمینی، با حداقل نابرابری فضایی در کشور فراهم می‌گردد و کشف منابع، خلق مزیت‌ها و فرصت‌های تازه، و فراوانی و پایداری نعمت برای همگان با رعایت عدالت میان‌نسلی حاصل می‌شود. فقر و فساد و تبعیض در کشور ریشه‌کن می‌گردد و تکافل عمومی و تأمین اجتماعی جامع و فراگیر و دسترسی آسان همگانی به نظام قضایی عادلانه فراهم می‌شود.

در آن هنگام، ایران از تداوم رهبری فقیه عادل، شجاع و توانمند و ضمانت کافی برای سیاست‌ها و قوانین و نظام‌های مبتنی بر اسلام در چارچوب مردم‌سالاری دینی برخوردار است و همچنان با اتکا به آرای عمومی از رهگذر مشارکت آزادانه مردم در انتخابات، دور از تهدید ثروت و قدرت و با بهره‌گیری نظام‌مند از مشورت جمعی نخبگان و نظارت مردم، با کارگزاری امین و توانا اداره می‌شود و با قدرت کامل برای پاسداری و دفاع بازدارنده از عزت و حاکمیت و استقلال و مصالح و منافع ملی، امنیت همه‌جانبه و تمامیت ارضی خویش را پاس می‌دارد و برترین نقش را در وحدت و اخوت اسلامی و ثبات منطقه‌ای و صلح عادلانه جهانی بر عهده دارد.

در آن هنگام، ایران در تراز پیشرفت و عدالت، در شمار چهار کشور برتر آسیا و هفت کشور برتر جهان جای می‌گیرد و دارای ویژگی‌های برجسته جامعه اسلامی و خاستگاه تمدن نوین اسلامی-ایرانی است.

## تدبیرها

۱. تبیین و ترویج اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله - هماهنگ با نیازهای زمان و بر پایه اجتهاد پیوسته و پویا.
  ۲. گسترش فرهنگ قرآنی توحیدی و معادباورانه، عمق بخشی به باور و احساس جامعه در معرفت و مودت و ولایت پیامبر و اهل بیت - علیهم السلام - و پاسداری از فرهنگ عاشورا و انتظار، با زدودن جلوه‌های تحریف و بدعت.
  ۳. ترویج آموزه‌های اخلاق اسلامی و هنجارهای اجتماعی و تبلیغ عملی دین.
  ۴. اوج بخشیدن به نقش محوری «مسجد» در رشد معنوی و فرهنگی، اصلاح و بالندگی روابط اجتماعی و انسانی و همدلی و همبستگی.
  ۵. تبیین و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی-ایرانی و استوارسازی بنیان خانواده با آسان‌سازی ازدواج پایدار و فرزندآوری و تأمین مسکن و اشتغال برای زوج‌های جوان.
  ۶. احیای ظرفیت‌های تمدنی زبان و ادبیات فارسی در گستره فرهنگی فارسی‌زبانان و بالندگی آن در تراز زبان‌های جهانی دانش و فرهنگ.
  ۷. احیا و گسترش الگوها و نمادهای اسلامی-ایرانی به‌ویژه در پوشش، معماری و شهرسازی با رعایت ویژگی‌های اقلیمی و بومی و حفظ گونه‌گونی فرهنگی در پهنه سرزمینی.
  ۸. تحول در ساختار، رویکرد و محتوای نظام تعلیم و تربیت کشور و والاسازی جایگاه معلمان، برای تربیت انسان‌های مؤمن، توانمند، خلاق، مسئولیت‌پذیر و دارای روحیه مشارکت جمعی.
- \*\*\*
۹. گسترش دامنه تحقیق و نظریه‌پردازی و گفتمان‌سازی برای تبیین سازگاری دوگانه‌های علم و دین، پیشرفت و عدالت، ایرانی بودن و اسلامیت، ثروت‌آفرینی و معنویت، و مانند آن‌ها.
  ۱۰. تقویت و گسترش تولید علم اصیل، بومی و سودمند در شاخه‌های علوم انسانی، با بهره‌گیری از مبانی و منابع اسلامی و دانش بشری و ایجاد فرآیندها و سازوکارهای کاربست روزافزون این دانش‌ها.
  ۱۱. پشتیبانی فزاینده و مطالبه متناسب از مؤسسات و شخصیت‌های علمی کشور برای گسترش مرزهای دانش و مطالعات و پژوهش‌های چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای نوآورانه، با هدف برآوردن نیازها و حل مسائل اساسی جامعه و بهره‌گیری دستگاه‌های سیاست‌گذاری و اجرایی و نظارتی از ظرفیت علمی کشور.

۱۲. گسترش تعامل اندیشه‌ای و دادوستد علمی پویا و پایدار نخبگان و مؤسسات علمی کشور در عرصه جهانی و حضور فعال برای هنجارسازی‌های فراملی و بهره‌گیری از شبکه جهانی دانایی.

۱۳. ارج نهادن به دانش‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای بومی و غیررسمی و شکوفاسازی آن‌ها در تراز فناوری‌های صنعتی با بهره‌گیری از دستاوردهای تازه علمی و تجارب تاریخی و بازسازی بازارهای تولیدی تخصصی به فراخور توانمندی‌های بومی و قابلیت‌های سرزمینی.

۱۴. استقرار کامل نظام ملی نوآوری و نظام ملی و جامع استاندارد، با ارتقای دانش پایه، گسترش شبکه‌های علم و فناوری و نوآوری، همکاری دولت و مؤسسات علمی و پژوهشی و صنعتی، و حمایت‌های زمینه‌گستر از تجاری‌سازی در فرآیند تولید کالا و خدمات.

۱۵. آسان‌سازی ورود و افزایش توان رقابت و سهم کارآفرینان در قلمروهای رقابت‌پذیر اقتصادی و اجتماعی مولد، به‌ویژه اقتصاد دانش‌بنیان، و رفع موانع کسب و کار، با تأکید بر اصلاح قوانین و مقررات و روندهای اجرایی کشور.

۱۶. نوسازی دانش‌بنیان مجموعه‌های بزرگ صنعتی و کشاورزی و خدماتی، به‌ویژه در زمینه‌های راهبردی، در پیوند با نظام نوآوری خصوصاً شرکت‌های دانش‌بنیان کوچک و متوسط و با هدف رقابت‌پذیری جهانی.

۱۷. تحول و بالندگی دیپلماسی اقتصادی کشور، به منظور دستیابی به فناوری‌های پیشرفته، نقش‌آفرینی در چرخه تولید و نوآوری فراملی، بازاریابی و بازاریابی برای تولیدات داخلی و صدور خدمات برون‌مرزی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌ویژه از شرکای راهبردی، توسعه تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی به‌خصوص در بخش پایین‌دستی انرژی و بازار جهانی حلال، و حمایت از صادرات تولیدات داخلی با ارزش افزوده فراوان.

۱۸. ارتقای دانش و توسعه بومی و تأمین امنیت و تاب‌آوری زیرساخت، فناوری و خدمات فضای مجازی با مشارکت مردمی و همکاری‌های بین‌المللی در تراز کشورهای پیشرو جهان.

۱۹. گسترش بهره‌مندی عادلانه از فرصت‌های فضای مجازی سالم، مفید و ایمن و تبیین و گستراندن اخلاق فضای سایبری بر پایه ارزش‌ها، فرهنگ و هویت اسلامی-ایرانی.

۲۰. پی‌ریزی و گسترش نهضت کسب‌وکار هنرهای نمایشی و صنایع خلاق فرهنگی و کاربردهای فضای مجازی متناسب با قابلیت‌های ملی و محلی به منظور هنجارسازی، تبلیغ و گسترش فرهنگ و ارزش‌های اسلامی-ایرانی با در نظر گرفتن تقاضای مخاطب منطقه‌ای و جهانی.

۲۱. بازطراحی و ارتقای نظام پولی و بانکی کشور و ابزارها و نهادهای سیاستی و نظارتی مربوط، بر پایه احکام شرع و با هدف حفظ ثبات و سلامت اقتصادی، هدایت اعتبارات به بخش‌های مولد، و بهره‌مندسازی عادلانه مردم از پول خلق شده بانکی.

۲۲. تحقق عدالت مالیاتی و کاهش فاصله جمع درآمد خالص خانوارها، از رهگذر نظام یکپارچه مالیات‌ستانی و پرداخت‌های انتقالی و وضع مالیات‌های مؤثر برای رونق‌افزایی تولید و جلوگیری از فعالیت‌های نامولد، با هدف گردش سالم ثروت در جامعه و پیشگیری از کنزاندوزی.

۲۳. تقویت نظام مواسات و تکافل عمومی و تأمین اجتماعی فراگیر و استفاده از ظرفیت نهادهای وقف، قرض‌الحسنه و صدقه به منظور دستیابی به حد کفاف در بهره‌مندی و توانمندسازی همگان به‌ویژه محرومان و نیازمندان با پاسداشت کرامت انسانی آنان.

۲۴. اصلاح ساختار بودجه کشور با تأکید بر جدا کردن بودجه دولت از درآمدهای حاصل از بهره‌برداری منابع طبیعی و ثروت‌های عمومی و تأمین آن از منابع درآمدی نسل حاضر و افزایش بهره‌وری و صرفه‌جویی در هزینه‌های دولتی.

۲۵. یکپارچه‌سازی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت برای بهره‌برداری از انفال و ثروت‌های عمومی تجدیدنپذیر و تبدیل انحصاری درآمد آن به سرمایه‌های پایدار و قوام‌بخش پیشرفت بلندمدت کشور.

۲۶. توقف صادرات مواد خام در پی ۱۵ سال از آغاز اجرای الگو و کاهش سالیانه دست‌کم ۵ درصد و جایگزینی آن با زنجیره پیش‌رونده تولید ارزش افزوده ملی.

۲۷. مصون‌سازی و تقویت فرآیندها، سیاست‌ها، تصمیمات و نهادهای اقتصادی در برابر تکانه‌های سیاسی-اقتصادی هدفمند و غیرهدفمند درون‌زا و برون‌زا.

۲۸. بهینه‌سازی مصرف آب و انرژی، حفظ هوای پاک، حفاظت و بهره‌برداری پایدار از محیط زیست و منابع حیاتی همچون خاک، آب، جنگل، مراتع و تنوع زیستی و انجام فعالیت‌های زیربنایی، اقتصادی و اجتماعی به فراخور ظرفیت‌های بوم‌شناختی با رعایت حقوق و اخلاق زیست‌محیطی بر پایه آموزه‌های اسلامی.

۲۹. برقراری نظام حکمرانی آب کشور بر اساس مدیریت یکپارچه منابع آب در حوضه آبریز و گسترش استفاده از آب‌های نامتعارف، با رویکرد مدیریت تقاضا و تخصیص و مشارکت بهره‌برداران در مدیریت چرخه آب.

۳۰. اصلاح ساختار حکمرانی و مدیریت انرژی کشور و ایجاد شبکه هوشمند، یکپارچه و تاب‌آور انرژی با بهره‌مندی بهینه از انرژی‌های تجدیدنپذیر و پاک.

۳۱. فعال‌سازی موقعیت ارتباطی ایران و قابلیت‌های سرزمینی از رهگذر زیرساخت‌های پیشرفته برای تبدیل کشور به چهارراه ارتباطات بین‌المللی و قطب راهبردی علمی، فناوری و اقتصادی.
۳۲. ایجاد قطب‌های گردشگری مذهبی، فرهنگی، طبیعی، علمی، و سلامت با تعیین جامعه هدف و محوریت مناطق و مراکز هویت‌ساز.
۳۳. نهادینه‌سازی تقسیم کار ملی با توجه به استعدادهای طبیعی و آفرینش مزیت‌های جدید در همه مناطق و ایجاد حلقه‌های هم‌افزای اقتصادی منطقه‌ای و گسترش پیوندها و روابط میان مناطق شهری، روستایی و عشایری به‌ویژه با گسترش صنایع تبدیلی کشاورزی، به منظور تقویت نقش آن‌ها در تولید و صادرات.
۳۴. بسترسازی برای پراکندگی متعادل جمعیت و توازن منطقه‌ای بر پایه توانمندی‌های سرزمینی و اصول آمایش با تخصیص امکانات و تشویق و آسان‌سازی سرمایه‌گذاری و شکوفاسازی مناطق کمتر برخوردار با اولویت نواحی مرزی به‌ویژه سواحل و جزایر جنوبی.
۳۵. تأمین امنیت و ایمنی غذایی با تأکید بر تولید داخلی، ترویج تغذیه سالم و حلال، ممنوعیت تولید و واردات محصولات تراریخت بدون مجوز سلامت و ایمنی زیستی، اصلاح الگوی تولید و توزیع و مصرف مواد غذایی و محصولات کشاورزی و دامی و آبی، و برقراری سازوکارهای نظارتی مورد نیاز.
۳۶. ارتقای همه‌جانبه و عادلانه سلامت فرد و خانواده و جامعه از رهگذر گسترش و عمق‌بخشی به سواد و فرهنگ سلامت، پیشگیری و مهار عوامل تهدیدکننده، همکاری بین‌بخشی و مشارکت آگاهانه و نظام‌مند مردم و قوای سه‌گانه و توسعه تربیت بدنی به‌ویژه ورزش همگانی.
۳۷. پوشش همگانی مراقبت‌ها و خدمات سلامت به‌ویژه خدمات بیمه‌ای و توزیع عادلانه منابع حوزه سلامت.
۳۸. افزایش توانمندی‌های حوزه سلامت به منظور توسعه آموزش، خدمات و تولیدات در سطح ملی و بین‌المللی و تبدیل ایران به قطب منطقه‌ای سلامت و تقویت و ترویج دانش بومی و طب سنتی ایرانی بر پایه شواهد متقن علمی.
۳۹. پیشگیری قاطع از تضاد منافع در همه سطوح و لایه‌های نظام سلامت به‌ویژه با تنظیم و مدیریت شفاف روابط مالی میان «ارائه‌کنندگان»، «دریافت‌کنندگان» و «تأمین‌کنندگان هزینه» خدمات بهداشتی و درمانی.
۴۰. رشد سلامت معنوی اسلامی و گسترش آن در عرصه‌های آموزش، پژوهش، مراقبت‌ها و خدمات سلامت کشور.
۴۱. تنظیم نرخ باروری در بیش از سطح جانشینی با زدودن موانع و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب و اجرای سیاست‌های حمایتی.



۴۲. بالندگی جایگاه و شأن و حقوق اجتماعی زنان و فراهم ساختن فرصت‌های عادلانه برای آنان و حمایت از نقش مقدس مادری.

۴۳. بهبود روش‌های پیشگیری از آسیب‌ها و جرائم، ارتقای نظارت بر حسن اجرای قوانین، پیگیری کوتاهی‌های خسارت‌بار مسئولان در انجام وظایف، افزایش آگاهی و تعهد و اخلاق اجتماعی و تقوا و پاکدامنی عمومی، و بازنگری در جرم‌انگاری.

۴۴. افزایش استقلال، اقتدار، پاسخگویی، کارآمدی، آسانی دسترسی همگانی به دستگاه قضایی، تخصصی‌شدن نظام قضایی، نظارت بر عملکرد قضات و کارکنان، اصلاح و شفاف‌سازی قوانین و فرآیندهای قضایی، سرعت‌بخشی و آسان‌سازی و به‌روزرسانی روندهای دادرسی، گسترش روش‌های غیرقضایی حل اختلافات و بهبود محیط حقوقی کسب و کار.

\*\*\*

۴۵. حفظ و تقویت مردم‌سالاری دینی بر پایه ولایت فقیه از رهگذر گسترش مشارکت مردم و نخبگان در اداره کشور و افزایش کارآمدی نظام.

۴۶. گسترش و توانمندسازی تشکل‌های مردمی با هدف افزایش سرمایه اجتماعی، یکپارچگی و اقتدار ملی و استوارسازی ساختار درونی نظام.

۴۷. بالندگی و گسترش آزاداندیشی با رعایت هنجارهای اخلاقی به منظور ارزیابی و نقد علمی سیاست‌ها، برنامه‌ها، قوانین و عملکردهای گذشته و اکنون برای تصحیح پیوسته آن‌ها و پاسداشت ارزش‌ها و اصلاح مسیر انقلاب اسلامی.

۴۸. تضمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در چارچوب اجرای کامل قانون در قلمرو فردی و جمعی و آموزش و ترویج حقوق و تکالیف مردم.

۴۹. واگذاری و پذیرش مسئولیت‌ها و مدیریت‌ها بر پایه شایستگی و پایبندی به هنجارهای اسلامی با محوریت روحیه جهادی، ساده‌زیستی، عدالت، صداقت، درستکاری، فداکاری، پاسخگویی و پایبندی به حد کفاف در معیشت، با بهره‌گیری از نظام شناسایی و تربیت شایستگان به‌ویژه جوانان و پیشگیری از پیدایش حلقه‌های بسته مدیریت.

۵۰. ایجاد فرآیندهای عادلانه، قانونمند و شفاف در تخصیص امکانات و امتیازات دولتی و عمومی و شفاف‌سازی و نظارت بر درآمد و ثروت کارگزاران و منابع مالی و هزینه‌های کنش‌گری سیاستمداران و تشکل‌های سیاسی و مردم‌نهاد.

۵۱. نهادینه‌سازی پاسخگویی مسئولان، نظارت رسمی و مردمی و رسانه‌ای بر ارکان و اجزای مدیریتی نظام، و پیشگیری از تداخل منافع عمومی و منافع خصوصی کارگزاران حکومت، با اصلاح ساختارها و قوانین فسادزا و برخورد سرسختانه و بدون تبعیض با خلاف‌کاران و مفسدان.

۵۲. تقویت کارکردهای حاکمیتی با واگذاری مسئولیت‌های غیرحاکمیتی و تصدی‌گرایانه به بخش‌های مردمی، و بهبود کارآمدی و چابکی و شفافیت نظام اداری با شیوه‌ها و فناوری‌های نوین.

۵۳. تمرکززدایی در ساختار اقتصادی-مالی کشور با حفظ اقتدار حاکمیت از رهگذر واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری به استان‌ها در چارچوب سیاست‌های ملی.

۵۴. انتشار عمومی پیش‌نویس سیاست‌ها، قوانین، مقررات و برنامه‌های غیر محرمانه کشور در سطح ملی و استانی و نظرخواهی از دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مراکز و انجمن‌های علمی معتبر.

۵۵. تقویت توان بازدارندگی مؤثر، پیشگیری از تهدید بر ضد جمهوری اسلامی ایران، تأمین امنیت و دفاع همه‌جانبه و مردم‌محور و پیش‌کنشگر بر پایه اشراف اطلاعاتی، گسترش بسیج مردمی، بهبود قدرت دفاعی، و خوداتکایی در فناوری‌های برتری‌بخش و اقتدارآفرین دفاعی.

۵۶. افزایش توانمندی‌ها و ظرفیت‌های دفاع هوشمند و تاب‌آور، گسترش پدافند غیرعامل در فضای واقعی و مجازی، مصونیت‌بخشی و تاب‌آوری زیرساخت‌های حیاتی کشور، و ارتقای نقش پویای سامانه دفاعی-امنیتی در پیشرفت کشور.

۵۷. ایفای نقش محوری در هندسه قدرت در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، گسترش عمق راهبردی، تقویت جبهه مقاومت، و تحول‌آفرینی در نظام‌های بین‌المللی بر پایه ارزش‌های انقلاب اسلامی.

۵۸. تعامل با ادیان الهی و تقریب مذاهب اسلامی و افزایش همگرایی و همبستگی مسلمانان با تأکید بر همسانی‌های دینی و پرهیز از اهانت به مقدسات یکدیگر و رفتارها و سیاست‌های تفرقه‌انگیز و گسترش روابط فرهنگی و اقتصادی و سیاسی میان مسلمانان.

۵۹. گسترش خردگرایی همراه با روحیه جهادی در جهان اسلام، استکبارستیزی، پشتیبانی از جنبش‌های اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش، و بازپس‌گیری حقوق مردم فلسطین.

۶۰. تأکید بر چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی، گسترش دیپلماسی عمومی و کمک به نهادمندی امنیت و حکمیت و صلح عادلانه منطقه‌ای و بین‌المللی.

## سازوکار اجرا و نظارت و به‌روزرسانی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

۱. اجرای الگو بر عهده همه دستگاه‌ها و ارکان نظام جمهوری اسلامی در چارچوب وظایف ذاتی آن‌ها به شرح یاد شده در بندهای زیر است. تحول در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کشور برای اجرای کامل الگو، امری ضروری و نیازمند هماهنگی و انسجام مدیریتی قوای سه‌گانه و نهادهای رسمی کشور است. راهبری عالی و انسجام‌بخش تحقق الگو، بر عهده مقام معظم رهبری است.
۲. مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی و چشم‌اندازهای پیشرفت کشور را سازگار با الگو و با هدف تحقق کامل آن، تدوین می‌کند و چشم‌انداز و سیاست‌های کلی جاری را در جهت انطباق با الگو، بازنگری و اصلاح و به مقام معظم رهبری پیشنهاد می‌کند. تدابیر پیشران الگو، زیر نظر مقام معظم رهبری، تعیین می‌شود و چارچوب سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج‌ساله هفتم و هشتم کشور را تشکیل می‌دهد.
۳. مجلس شورای اسلامی، با هدف اجرای کامل الگو و تحقق اولویت‌های جاری آن در پرتو سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، قوانین بایسته را تصویب و بر حسن اجرای آن‌ها نظارت می‌کند. شورای نگهبان در تأیید مصوبات مجلس، انطباق آن‌ها با الگو را در نظر می‌گیرد.
۴. دولت که دارای بیشترین نقش در اجرای الگو است، برنامه‌های لازم شامل لوایح برنامه‌های پنج‌ساله و بودجه‌های سالانه را تهیه و بر حسن اجرای آن‌ها نظارت می‌کند.
۵. قوه قضاییه اقدامات مناسب را برای اجرای الگو و تحقق اولویت‌های جاری آن در گستره وظایف خود انجام می‌دهد و بر حسن اجرای آن نظارت می‌کند.
۶. شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی، برای اجرای الگو و تحقق اولویت‌های جاری آن در دامنه وظایف خود، تصمیم می‌گیرند و بر حسن اجرای آن نظارت می‌کنند.
۷. دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و صاحب‌نظران، با همکاری مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، تحقیق و نظریه‌پردازی و گفتمان‌سازی در باره الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت بر اساس ارزش‌های والای اسلامی و دستاوردهای متقن علمی و نیز پایش اجرای آن را در دستور کار خود قرار می‌دهند.

۸. صدا و سیما جمهوری اسلامی و دستگاه‌های تبلیغی و اطلاع‌رسانی رسمی کشور، با هدف تبدیل الگوی پیشرفت به گفت‌وگو ملی، کارهای بایسته را انجام می‌دهند.

۹. مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت با پایش روند پیشرفت کشور، گزارش اجرای الگو و انطباق چشم‌اندازها و سیاست‌ها و برنامه‌های کشور با آن را به مقام معظم رهبری تقدیم می‌کند و با حمایت و هدایت و کاربست پژوهش‌های مربوط، ویراست بازنگری‌های ده ساله و اصلاحات موردی الگو را به حضور ایشان عرضه می‌نماید. مراجع سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی کشور، گزارش اقدام‌های انجام شده را به صورت سالانه به مرکز الگو ارائه می‌نمایند.

۱۰. تفسیر سند الگو، بر عهده «شورای عالی مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» است.